

مراتب اندیشه آزادی در تکامل بیداری اسلامی

موسی نجفی*

چکیده

اندیشه آزادی در دومین و چهارمین موج از بیداری اسلامی به مراتب و درجات خاص تأثیرگذار بوده است. این تأثیر در نهضت مشروطیت به صورت نظام‌مند کردن مشروطیت در کنار «جنبش عدالت‌خانه» صورت پذیرفته است؛ هرچند در اثر نفوذ فلسفه‌های سیاسی غربی، اندیشه آزادی از عدالت و متون اسلامی جدا شده و در بستر دیگری افتاد. در سیر تکاملی اندیشه آزادی، انقلاب اسلامی قرار دارد که اندیشه آزادی این بار در کنار نظریه «ولایت فقیه»، «مردم سالاری دینی» را رقم زده و متکامل‌تر از مشروطیت، نوعی «نظام مدنی دینی» درست کرد. این سیر تاریخی به خصوص از قرن گذشته تاکنون و از امروز تا افق تمدن جدید اسلامی، خط سیر تکاملی و متعالی را در حرکت بیداری اسلامی نشان می‌دهد. مقاله حاضر این خط سیر تکاملی را در قالب «اندیشه تعالی» و آسیب‌شناسی آن را در ذیل تفکر و تمدن غرب در قالب «اندیشه ترقی» به بحث می‌گذارد.

واژگان کلیدی

بیداری اسلامی، تمدن اسلامی، اندیشه آزادی، مردم‌سالاری دینی، ولایت فقیه، انقلاب اسلامی ایران.

مقدمه

در ابتدای مقاله لازم است دو مفهوم اساسی و محوری را توضیح دهیم. اول اینکه تعریف دقیق مفاهیم اساسی همانند «آزادی»، همواره محل مناقشه اندیشمندان در قرن معاصر بوده و شاید این مسئله برآمده از مفهوم وسیع و عمیق (چند لایه) این واژه باشد که معمولاً راه برون رفت از این معضل را تعریف تفصیلی و

najafisa@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۸/۱۰

*. دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۲۳

بیان مصادیق دانسته‌اند. در این مقاله منظور از آزادی، فضای آزادی است که در بستر آن، نظام سیاسی ایران در یک سیر تکاملی به مردم سالاری دینی رسید.

«بیداری اسلامی» نیز از این دست واژگان است؛ هرچند در کلیت این مفهوم می‌توان گفت خیزش عمومی نخبگان و عموم مردم مسلمان برای احیای هویت اسلامی و بازگشت به عزت دینی بوده است که گاه در جنبه سلبی به صورت مبارزه با نظام ظالم حاکم و قدرت‌های استعماری نمایان شده و گاهی در جنبه اثباتی و ایجابی در قالب تأسیس نظام سیاسی اسلامی و نهادهای اجتماعی جلوه‌گر شده است.

سال ۹۰۷ هجری قمری قزلباشان صفوی با مرکزیت تبریز، ایران منسجم و با عظمتی را تحت لوای مذهب شیعه تأسیس کردند؛ این هویت جدید در «نظام مدنی شیعی»، ایران را در منطقه و جهان و حتی در تاریخ بعدی برای دهه‌های متمادی در موقعیت ویژه و در مواقعی «برتر» قرار داد. با سقوط صفویان در سال ۱۱۳۵ هجری و ضعف دولت‌های بعدی و همچنین ورود استعمار غرب در دوران قاجار، ایران نتوانست آن نظام مدنی دینی را حفظ و حراست کند. تجدید حیات این نظام در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی با انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی، با شکوه و تکامل و روند جدیدی عینیت و ظهور یافت. اما در فاصله این سه قرن که مابین این دو «نظام مدنی شیعی» وقفه ایجاد شد، حرکت‌ها و تحولات گسترده‌ای در قالب «نهضت بیداری اسلامی» که در واقع حرکت‌های انقلابی ماقبل نظام سیاسی است، به وقوع پیوست؛ به عبارت دیگر قیام تحریم تنباکو، نهضت مشروطه، نهضت نفت، نهضت پانزده خرداد بخشی از هویت ملی و دینی ایرانیان را از تاراج استعمارگران محفوظ داشته و هر یک زمینه‌ساز بخشی از نظام مدنی و دینی گشتند. اما در این بین، چه در قیاس با کل حرکت‌های سیاسی جهان اسلام و چه در نسبت با کل تحولات تاریخ ایران، «نهضت مشروطیت» توانست نوعی نظام سیاسی و قانون اساسی ایجاد نماید و اولین حرکت نظام‌مند سیاسی را در قرن گذشته در بین کشورهای اسلامی بنیان‌گذاری کند.

این توالی تاریخی، یعنی در ابتدا تأسیس صفویه و سه قرن بعد از آن تأسیس نظام مشروطه، مؤید این نکته است که آزادی‌خواهان ایران در عهد مشروطه نیازی نمی‌دیدند که آزادی و استقلال را توأمان مطرح کنند؛ چرا که ایران برخلاف کشورهای حاشیه‌ای حوزه عثمانی از استقلال و انسجام قابل توجهی برخوردار بود و بحث «آزادی» به دنبال «استقلال» مطرح گردید. در حالی که بحث آزادی در حوزه نفوذ عثمانی به‌مثابه آزاد شدن از سلطه عثمانی و استقلال کشورهای عربی محسوب می‌گشت. در هر حال، به نظر می‌رسد اینکه ایران در دو مقطع مشروطه و انقلاب اسلامی توانسته است خود را از سطح «نهضت» و «انقلاب» به سطح «تأسیس نظام سیاسی» و ایجاد قانون اساسی ارتقا دهد و در حقیقت حرکت «سلبی» را به حرکت «ایجابی» مبدل سازد، معلول عوامل ویژه‌ای است. بدون شک یکی از این عوامل «اندیشه آزادی» است که در نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی در مرحله سلبی (مبارزه با استعمار و استبداد) و همچنین

مرحله ایجابی (تنظیم قانون اساسی و نظام سیاسی) نقش مهمی ایفا نموده و منزلت خاصی را دارا می‌باشد. هرچند اندیشه آزادی در مشروطه با فقدان «جنبش نرم‌افزاری» و «نظریه منسجم دینی» (مثل ولایت فقیه) و گذار نکردن از لایه‌های عمیق‌تر تمدن غربی، در نهایت به نوعی آسیب و آفت دچار شده و سرانجام با تأسیس سلسله پهلوی بخشی از میراث خود را تاراج شده دید، اما در انقلاب اسلامی همین اندیشه آزادی، بعد از قوام بخشیدن در مرحله نهضت، در تدوین قانون اساسی و همچنین در افق تمدن اسلامی توانست در کنار سایر مفاهیم از سیطره و تفوق تمدن مغرب زمین عبور کرده و خود را در افق تمدن اسلامی بازیابی نماید و حرکت بیداری اسلامی را رشد و تعالی بخشد.

همان‌گونه که به نقش آزادی در تکامل بیداری اسلامی اشاره شد، باید توجه داشته باشیم این تأثیر و تأثر، متقابل بوده و نهضت بیداری اسلامی و نظام مدنی دینی و تمدن اسلامی نیز در ارتقای فهم و بروز «ظرفیت‌های آزادی» در هریک از این مقاطع نیز مؤثر بوده است. بدین معنا که آزادی با هر یک از این سطوح (نهضت، نظام، تمدن) در مفهوم درستش به فعلیت بیشتری رسیده و ظرفیت‌های بیشتری از خود بروز می‌دهد. اما اگر بخواهیم نقش اندیشه آزادی را در مبحث تکامل نظری و عملی در جامعه و سیر تحولات تاریخی ایران پیگیری کنیم، باید بگوییم: صورت مسئله و جواب، حوزه تمدنی و فلسفه سیاسی اسلام در مقابل حوزه تمدنی و فلسفه سیاسی غرب است که ما آن را «تکامل بیداری اسلامی» از نهضت تا تمدن می‌بینیم و به تبیین آن می‌پردازیم. هرچند این صورت مسئله، تاریخی است و لکن جواب‌ها در حوزه اندیشه سیاسی خواهد بود. این صورت مسئله و جواب، می‌تواند شالوده نوعی نظریه‌پردازی در این حوزه را در پی داشته باشد.

لازم است در این قسمت از نقش «آزادی خواهان مقدس» سخن به میان بیاوریم. این جریان با تأسیس نظام مشروطه توانست گام اول این تکامل را برداشته و بعد از آن با نقد حاکمیت مشروطه و انحراف آن تا عصر پهلوی، به طور کلی حرکت بیداری اسلامی را از حاکمیت مشروطه جدا کرده و تمنای نظام سیاسی و مدنی دینی را نه در مشروطه حاکم، بلکه در افقی بالاتر جستجو کند. این تمنای آزادی خواهان مقدس از عصر مشروطیت به پیش‌زمینه‌های تاریخی و فکری و ذهنی امام خمینی علیه السلام رسیده و آن را در مقوله تأسیس یک نظام سیاسی دینی تمام عیار در ظل «تمدن نوین اسلامی» جلوه‌گر نمود؛ جلوه‌ای که با نقد جدی و شالوده‌شکنی در نظام لیبرالیسم و تمدن تک‌ساحتی غرب دنبال گردید. این شالوده‌شکنی و افق‌گشایی جدید در تأسیس نظام مدنی دینی و تمدن اسلامی، همان آزادی و رسیدن به فضاها و امکانات جدید است. تأثیر و تأثر اندیشه آزادی با بیداری اسلامی در عمیق‌ترین لایه‌های آن، مطلب مهمی است که این مقاله به آن توجه کرده است.

سؤال و فرضیه تحقیق

مهم‌ترین سؤالات این تحقیق این است که اندیشه آزادی چه نقشی در مراحل مختلف نهضت بیداری اسلامی، به خصوص در تحولات ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی داشته است؟ این نقش چگونه و در

چه شرایطی بوده و سیر تاریخی و فلسفه سیاسی آن چگونه است؟ آیا آسیب‌شناسی خاصی را هم دارد یا نه؟ اما در جواب این سؤال اساسی و چند سؤال دیگر که قسمت عمده تاریخ معاصر را نیز پوشش می‌دهد شاید بتوان این فرضیه را بیان کرد و گفت به سبب آنکه اندیشه آزادی در موج دوم و موج چهارم بیداری اسلامی توانسته است حرکت سلبی (نهضت ضداستبدادی و ضداستعماری) را به مرحله نظام‌سازی و نظام مدنی وارد کند، از این منظر نوعی تکامل و تعالی در بطن اندیشه بیداری اسلامی دیده می‌شود. هرچند در موج دوم فقط نظام مدنی را شاهدیم، ولی این نظام در انقلاب اسلامی، نوعی «نظام مدنی دینی» است. در حقیقت، اندیشه آزادی دو حلقه نظام صفویه و نظام مشروطه را با نوعی تکامل دینی به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی وصل کند؛ البته این حلقه وصل، تمام ماجرا نبوده و بخشی از آن محسوب می‌شود.

مقاله با این نگرش، اندیشه آزادی را در دو مقوله «اندیشه ترقی» (مربوط به حوزه سکولاریسم و روشنفکری دینی) و «اندیشه تعالی» (مربوط به نهضت بیداری اسلامی) مورد بازکاوی قرار می‌دهد و در نهایت، آزادی و نقش آن را در سه مرحله نهضت، نظام و تمدن و گذار از یکی به دیگری بررسی می‌کند. ذکر این نکته لازم است که اندیشه ترقی در ایران به معنای برداشت سطحی و مبتذل از غرب است و حتی کمتر به لایه‌های عمیق‌تر فلسفه و تفکر غرب پرداخته است، لذا تقابل اندیشه ترقی با اندیشه تعالی، تقابل سطح با عمق است.

امید است در صورتی که این تمهیدات با احتیاط علمی و دقت پژوهشی انجام پذیرد دورنمای نظریه منسجمی که بیشتر شالوده آن تاریخ و فلسفه سیاسی است، نشان دهد. برای ورود به بحث تأثیر اندیشه آزادی در تکامل بیداری اسلامی لازم است سه مفهوم و مفروض خود را در ابتدا در قالب سه تمهید علمی و یا سه ستون برای پایه مباحث بعدی بیان و معرفی اجمالی کنیم، تا بهتر بتوانیم به منزلت اندیشه آزادی در تحولات بیداری اسلامی واقف شویم.

سه تمهید درباره تاریخ فکری و تحولات ایران

تمهید اول: صفویه، اولین نظام مدنی شیعی در ایران

در سال ۹۰۷ هجری شاه اسماعیل، دولت صفوی را پایه‌گذاری کرد؛ دولتی که تشکیل آن، استقلال سیاسی ایران را در پی داشت. او مذهب تشیع را به عنوان مذهب رسمی کشور اعلام کرد. ایران از پانصد سال پیش در دوره صفویه^۱ با یک الگوی مذهبی به یک هویت ملی جدید رسید و توانست از جامعه شیعی و اسلامی دفاع کند. (نجفی و حقانی، ۱۳۸۸: ۱۶ و ۱۹) این الگو در همان دوره صفویه بعد از نزدیک به دو و نیم قرن، آرام آرام رو به زوال رفت و بعد سلسله‌های افشاریه و زندیه روی کار آمدند.

۱. برای بحث بیشتر راجع به صفویه ر.ک: جعفریان، ۱۳۷۰؛ شاردن، ۱۳۷۲؛ سیوری، ۱۳۶۳؛ جعفریان، ۱۳۶۵.

سلسله‌های بعدی یعنی قاجارها و پهلوی نتوانستند از هویت جدید ملی آن‌چنان که شایسته است دفاع کنند و حراست از هویت جامعه در غیاب یک نظام مدنی دینی را نهضت‌های اسلامی یا همان بیداری اسلامی بر عهده گرفتند.

بنابراین، در دو طرف هویت ملی ایران در پانصد سالی که استقلال جدید پیدا کرد. با توجه به مکتب تشیع دو نظام سیاسی قابل مشاهده است، یک نظام ناقص و یک نظام کامل‌تر. در حد فاصل این دو، نظام‌های سیاسی دیگر نتوانستند از هویت ملی ایران دفاع کنند، لذا حفظ هویت ملی و دینی بر دوش نهضت‌هایی چون تنباکو و مشروطه نهضت نفت و نهضت ۱۵ خرداد و ... بود.

با این وصف هنگامی که نظامی دینی حاکمیت را در دست بگیرد و بتواند از هویت واقعی دفاع کند، نیازی به نهضت سیاسی ماقبل نظام مدنی نیست، بلکه نظام اسلامی در مرحله‌ای بالاتر به رشد هویت ملی کمک می‌کند.

تمهید دوم: چهار موج بیداری اسلامی

وقتی از بیداری اسلامی سخن به میان می‌آید در حقیقت باید این نهضت و نام را برای حرکت‌هایی بدانیم که از هویت و استقلال کشورها و ممالکت اسلامی در مقابل اجانب حفاظت و نگهداری می‌کرده است. بیداری اسلامی از واکنش مصریان در مقابل حمله ناپلئون شروع و آرام آرام به سایر مناطق اسلامی رسید؛ اما برای ما ایرانیان این مسئله برای اولین بار در مقابله با روس‌ها در جنگ اول و دوم ایران و روس اتفاق افتاد.

شکست در جنگ‌های ایران و روس نقطه عطف این دوران است. هوشیاری علما و اعلام جهاد آنان و شتافتن مردم به میدان‌های نبرد از ویژگی‌های این دوران است. این دوران، زمینه‌ساز آگاهی‌هایی در ایران می‌شود که از جمله آنها توجه کسانی چون عباس میرزا به علوم و فنون غربی و همچنین احساس تحقیر و سرخوردگی عمومی در بین مردم ایران در اثر انعقاد قراردادهای ذلت‌بار گلستان و ترکمانچای است.^۱

دومین موج، شامل نهضت‌های تنباکو و مشروطه بوده که در اینجا احساس هویت، عمیق‌تر و تفصیلی‌تر می‌شود و در مشروطه، این حرکت به سمت نظام‌سازی سوق داده می‌شود. رویکرد نسبت به غرب در این دوران دوگانه است؛ از یک طرف استعمار، دشمن و نماینده ظلم و تجاوز است و از طرف دیگر پیشرفت‌های تکنیکی غرب مورد ستایش برخی تحصیل کرده‌ها قرار می‌گیرد؛ در هر حال؛ موج دوم از موج اول متکامل‌تر و وسیع‌تر است.

سومین موج در دوره پهلوی شکل می‌گیرد؛ در این دوره تلاش نهضت‌ها در پی حفظ هویت ملی در برابر سیاست‌های استبداد مدرن پهلوی است. در این دوره حکومت علاوه بر مستبدبودن، نماینده غرب و تهاجم

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: حائری، ۱۳۶۷.

فرهنگی غرب به ایران نیز محسوب می‌شود.^۱ این سومین حرکت سلبی و برای حفظ هویت ایران از تهاجم فکری عصر پهلوی است، ولی این واکنش در مواقعی به لایه‌های عمیق‌تر استعمار غرب نیز واکنش نشان می‌دهد، هر چند که این واکنش منجر به نظام سیاسی مطلوبی نمی‌گردد.^۲

چهارمین موج هنگامی روی می‌دهد که مشروطیت کاملاً از توان افتاده و کسی نمی‌تواند جلوی هجوم مدرنیته به فرهنگ اسلامی را بگیرد. ایده‌های قبلی نیز نتوانستند از سلطنت عبور کنند. در اینجا نظریه اسلامی «ولایت فقیه» در قالب جمهوری توانست با انقلاب اسلامی، سلطنت را کنار بزند؛ نظامی که این بار شکل می‌گیرد جمهوریت را در کنار اصول و احکام اسلامی دارد. آنچه در این نظام دینی تجلی یافته و ابتدا در مرحله اجمال بود، آرام آرام به مرحله تفصیل پیش می‌رود و از این‌رو، موج چهارم ادامه داشته و حرکت خود را از مرحله اجمال تا مرحله تفصیل و در قالب تمدن اسلامی نشان می‌دهد.

به نظر می‌رسد این نموداری از حرکت بیداری اسلامی در دو قرن گذشته تاکنون است. از این چهار حرکت، دو حرکت سلبی (اول و سوم) و دو حرکت سلبی و ایجابی توأمان می‌باشند (مشروطه و انقلاب اسلامی). این منحنی حرکت بیداری اسلامی در دو قرن گذشته می‌تواند به شفافیت تاریخی در تأثیر اندیشه آزادی کمک کند.^۳

تمهید سوم: اندیشه تعالی و اندیشه ترقی

آنچه که در تاریخ فکری و سیاسی ایران برای اصلاحات در دو سده گذشته اتفاق افتاده است می‌تواند دو خط متمایز را نشان دهد. هر یک از این دو تفکر و جریان ادعای این را داشته‌اند که نسبت به حل مشکلات کشور و دوی بیداری و اصلاحات می‌توانند راه‌حل ارائه دهند؛ هرچند این دو جریان و تفکر در مواردی در نقطه‌ای به هم می‌رسند و در مواقعی نیز از هم دور می‌شوند. در این نوشتار یکی را «اندیشه ترقی» و دیگری را «اندیشه تعالی» نام می‌نهمیم. صورت مسئله و جواب مسئله، توجه به واقعیات و آرمان‌ها و شاخص‌ها در هر یک تفاوت‌های عمده‌ای را نشان می‌دهند. به نظر می‌رسد جریان اندیشه ترقی که خود را مخالف استبداد نشان می‌داد در مشروطیت و در عصر پهلوی آرام آرام جریان استعمار غرب را لااقل در ابعاد مختلف آن نادیده گرفت و به صورت یک «ایدئولوژی شبه مدرن» به تحلیل و تفسیر تاریخ سیاسی معاصر و روند تحولات حال و آینده پرداخت.

اما اندیشه تعالی که به‌زعم اندیشه ترقی باید در گروه استبداد و ارتجاع قرار گیرد، این‌طور نبوده و در

۱. برای مطالعه بیشتر راجع به دوران پهلوی ر.ک: فردوست، ۱۳۸۲؛ جعفریان، ۱۳۹۰.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: دآوری، ۱۳۵۷.

۳. برای بحث پیرامون نظریه بیداری اسلامی و چهار موج تاریخی آن ر.ک: نجفی، ۱۳۸۷؛ همچنین در مورد بیداری اسلامی ر.ک: یوسفی، ۱۳۹۰؛ صوفی نیارکی، ۱۳۹۰؛ بی‌نا، ۱۳۹۱؛ نجفی، ۱۳۹۱.

مشروطه و در نهضت بیداری اسلامی اثبات کرد که همانقدر که از اندیشه غرب‌گرایی (اندیشه ترقی) فاصله دارد از جریان ارتجاع و استبداد نیز فاصله داشته و جریانی متمایز است. این اندیشه به متون دینی و بومی نظر کرده و حساسیت خود را بر استبداد و بر استعمار توأمان متمرکز می‌کند. انقلاب اسلامی و نظام سیاسی برآمده از آن، نمایانگر تام این جریان در عصر حاضر است.

بعد از ذکر این سه مقدمه، می‌توانیم به بررسی اندیشه آزادی و جهشی که این اندیشه در عصر مشروطیت داشته توجه کنیم.

اندیشه آزادی قبل از نهضت مشروطیت

در اولین موج بیداری اسلامی که در ایران با جنگ‌های ایران و روس آغاز گردید و تا قبل از قیام تحریم تنباکو ادامه می‌یابد، برخورد ایرانی‌ها با غرب بیشتر یک برخورد سلبی است؛ زیرا مواجهه غرب با کشورهای اسلامی غالباً نظامی بوده و اروپایی‌ها با جنگ‌افزارهای نظامی خود به سرزمین‌های اسلامی تجاوز می‌کردند. با توجه به اینکه عمده مباحث آن دوران، جنگ‌های نظامی بوده و با رویکرد سلبی مسلمانان در نهضت بیداری اسلامی روبه‌رو بوده است، مفاهیمی چون آزادی در این میان جایگاه سازنده و اثباتی ندارد، بلکه صرفاً این وقایع سبب می‌شود تا ایرانیان به این فکر کنند که چرا مغلوب می‌شوند و آهسته آهسته متوجه عیوب ساختارهای قبلی خود بشوند. این صورت مسئله زمینه‌ساز وقایع تاریخی مهمی تا قبل از نهضت مشروطیت می‌شود. قتل گریبایدوف^۱، سفیر روس متجاوز، به دست مردم و قیام تحریم تنباکو^۲ در سال ۱۳۰۹ هـ.ق از نمونه‌های مهم این دوره است. (نجفی و حقانی، ۱۳۸۸: ۱۰۴)

در این زمان که ایران از استقلال قابل توجهی برخوردار است ولی در اثر ضربه معاهده‌های ننگین گلستان و ترکمانچای، ضربه روحی و جغرافیایی و اقتصادی سنگینی را متحمل می‌گردد و در وضعیتی که استعمار خارجی علت مشکلات فزاینده کشور است، جریانی متشکل از دیپلمات‌ها و تحصیلکرده‌های اروپارفته در حال شکل‌گیری است. این گروه ابتدا آرام و طبیعی ولی کم‌کم به صورت غیرعادی و حتی در مواقعی با حمایت سفارتخانه‌های خارجی به طرح اندیشه‌ها و تأسیس نهادهایی همت می‌گمارند که بیش از آنکه ایرانی و بومی باشد، رنگ خارجی و غیر بومی به خود می‌گیرد. بحث از کم‌وکیف این مسئله در اینجا ضرورتی ندارد اما در بین نوشته‌ها و گفته‌های این جریان و تفکر می‌توان از مبحث جدیدی به نام «آزادی» سراغ گرفت؛ آزادی که بیشتر در قالب حسرت تجدد و مدرنیزاسیون از اروپای متمدن شکل گرفته است. این آزادی، ایدئولوژیک شده و بعدها به صورت علنی‌تر در رساله‌ها و نوشته‌های روشنفکران و مجامع سری عصر مشروطیت و بعد از آن به مطبوعات و جراید و کتب راه پیدا می‌کند. این ماجرا، آزادی در قالب اندیشه ترقی

۱. در مورد جنگ‌های ایران و روس ر.ک: ابوالحسنی، ۱۳۵۹.

۲. در مورد قیام تحریم تنباکو ر.ک: نجفی و جعفریان، ۱۳۷۳.

است. در حالی که آزادی در قالب اندیشه تعالی، هر چند با استبداد قاجاریه مخالف است اما حرکت خزنده استعمار خارجی و تضعیف هویت و غرور ملی بعد از ترکمانچای را هم مهم می‌داند. در این مقطع، آزادی از استعمار خارجی، قراردادهای ضدملی، استبداد داخلی و تضعیف روحیه ملی در قالب نهضت‌های اسلامی که اوج آن ابتدا قیام تحریم تنباکو و بعد از آن نهضت مشروطیت است قابل بررسی می‌باشد.

ارتقای اندیشه آزادی در عصر مشروطیت

در موج دوم بیداری اسلامی، نهضت مشروطه رخ داد و نهضت عدالت‌خانه و تشکیل مجلس شورای ملی شکل گرفت. بنابراین، در این موج شاهد آن هستیم که بیداری اسلامی تنها جنبه سلبی ندارد بلکه جنبه ایجابی پیدا می‌کند. مهم‌ترین جنبه سلبی آن در برابر اقدامات حکومت بود که در این راه روحانیان و منورالفکران با یکدیگر همراهی داشتند و علیه ظلم قاجارها متحد شدند و در مراحل اولیه نهضت مشروطیت به موفقیت‌های چشمگیری دست یافتند؛ اما پس از این موفقیت‌های اولیه، اختلافات اساسی، خود را نشان داد. اختلاف بر سر نظام‌سازی و قانون‌گذاری بود. علما و روحانیان همراه با مشروطه در مبارزات نخستین، اکنون نظرات متفاوتی با منورالفکرها در امر چگونگی اداره حکومت و نوع نگاه به قوانین داشتند. (همان: ۲۸۲ - ۲۷۱) این همان تفاوتی است که نمایانگر دو خط متفاوت در تاریخ ایران یعنی اندیشه ترقی و اندیشه تعالی است.

آزادی‌خواهان مقدس

در این مسئله که بحث آزادی در ارتقاء اندیشه سیاسی دوره مشروطیت نقش مهمی داشته است شکی نیست؛ اما اینکه این مسئله به چه صورت توانسته است واکنش سلبی نهضت بیداری اسلامی را به نظام‌سازی که در حقیقت، نوعی حرکت اثباتی و ایجابی است تبدیل نماید، از مسائل عمیق فلسفه سیاسی در ایران است. هرچند بعدها بین آزادی‌خواهان در ماهیت این نظام‌سازی اختلاف افتاد و دو گروه اسلامی و غرب‌گرا، ماهیت و جهت این نظام جدید را با قرائت خود تفسیر نمودند، اما در اینکه همه بر ضرورت تغییر از وضع موجود یعنی استبداد به سمت یک نظام جدید اتفاق نظر داشتند شکی نیست. به نظر می‌رسد جنبش مشروطه‌خواهی از نظر بُعد تاریخی با یک تمهید اولیه صورت گرفته باشد و آن حرکت نهضت عدالت‌خواهی باشد. بدین ترتیب، تاریخ گواه است که مراحل این تغییر و تکامل و البته آسیب‌شناسی بعدی آن بدین نحو صورت گرفته است:

مرحله اول: جنبش عدالت‌خواهی و مقابله با ظلم و نهادهای آن؛

مرحله دوم: قرار گرفتن بحث آزادی در کنار عدالت با تأسیس مجلس شورای ملی؛

مرحله سوم: تثبیت نظام‌سازی با نوشتن قانون اساسی.

هرچند در مرحله سوم می‌توان از دو جریان مشروطه مشروع و مشروطه‌خواه سراغ گرفت ولی بعد از آن

به‌خصوص بعد از استبداد صغیر و مشروطه دوم با اختلاف نظر بین مشروطه‌خواهان غرب‌گرای حاکم و مشروطه‌خواهان متدین اصفهان و نجف و شیراز و سایر شهرها، شاهد ظهور قدرتمند جریانی در مشروطه هستیم که ما با نام «آزادی‌خواهان مقدس» از آن یاد می‌کنیم. ویژگی‌های این جریان عبارتند از:

۱. طرفدار مشروطه، عدالت و آزادی و نظام پارلمانی و قانون اساسی است؛
 ۲. مخالف استبداد قاجاریه و مخالف استبداد صغیر بوده است؛
 ۳. در بسیج نیروی مردمی و نزدیک کردن مفاهیم مشروطه با مفاهیم اسلامی سعی فراوان می‌کند؛ لذا تفسیر از آزادی و مساوات و برابری و سایر مفاهیم را در رساله‌ها و اعلامیه‌ها و نوشته‌های این گروه شاهدیم؛
 ۴. این جریان علی‌رغم آزادی‌خواه و ضداستبداد بودن، ضد سیاست‌های انگلیس بوده و در حقیقت استعمار روس و انگلیس را توأمان دشمن خود محسوب می‌کند و با بست‌نشینی در سفارتخانه‌های خارجی به خصوص انگلستان مخالف بوده و از حرکت مردم به طرف قنصلخانه انگلیسی جلوگیری می‌کند. لذا اینان مشروطه‌خواهان و «آزادی‌خواهان مقدس ضدانگلیسی» می‌باشند؛
 ۵. این جریان آزادی‌خواه، در بحث قانون اساسی مانند جریان مشروطه مشروع، در بحث متمم دوم قانون اساسی و نظارت فقها بر مجلس نیز، نظریه مطابقت قوانین مجلس را با نظارت و تأیید فقها می‌پذیرند.
- با توجه به روند تاریخی و فکری جریان آزادی‌خواهان مقدس می‌بینیم این گروه، آزادی و ضرورت آن را برای نظام‌سازی، آن هم نظام سازی مدنی دینی در قالب مشروطیت، مورد پذیرش قرار می‌دهند ولی از قبول این آزادی‌خواهی در قالب ایدئولوژی و فلسفه‌های سیاسی غرب و لیبرالیسم دوری می‌گزینند و این همان نکته مهمی است که در کتب و رسائل و اعلامیه‌های این گروه به چشم می‌خورد. ما در تاریخ مشروطه از رسائلی با نام «شیخ و شیوخ» و یا «مناظره پیر و جوان» می‌توانیم اطلاع حاصل کنیم. (بی‌نا، ۱۳۵۴؛ نجفی، ۱۳۷۶)
- در این گونه نوشته‌ها، فرهنگ سنتی که به ضرورت تحول و آزادی معتقد است از دسائس استعمار و افراط آزادی‌خواهان و تغییر در مذهب و فرهنگ مردم نیز هشدارهایی را می‌دهد. در رساله «مقیم و مسافر» نوشته آیت‌حاج آقا نورالله اصفهانی، «مسافر» یعنی یک عالم مشروطه‌خواه در مقابل استدلال‌های «مقیم» که نماینده یک عالم مشروطه‌خواه است، از ضرورت آزادی و نقش آن در تحولات جامعه و دوری‌گزیدن از استعمار و فرنگی‌مآبی سخن به میان می‌آورد. (اصفهانی، ۱۳۸۴) همچنین مرحوم آیت‌الله علامه میرزا حسین نائینی، نظریه‌پرداز بزرگ مشروطه نجف در کتاب «تنبيه الامة و تنزيه الملة» (نائینی، ۱۳۷۶) نیز در این زمینه مطالب مهمی دارد.

جریان و تفکر آزادی‌خواهان مقدس توانستند با ارتقای حرکت بیداری اسلامی از مرحله نهضت به نظام مدنی دینی، نوعی الگوبرداری مردم سالاری دینی را در قرن گذشته به وجود بیاورند و با قبول آزادی در کنار مفاهیمی چون عدالت و شورا و مساوات و ظلم‌ستیزی و ... تفسیری از آزادی در متون اسلامی و دینی پیدا

کنند. هرچند این مسئله در روند مشروطه حاکم و حاکمیت سکولارها در دوران رضاخان پهلوی نادیده گرفته شد و با عدم اجرای متمم دوم قانون اساسی^۱ و اجرا نکردن کامل نظارت فقها در مجلس، به عنوان نقد و عدم مشروعیت حاکمیت در دوران پهلوی از آن یاد می‌شد. حتی امام خمینی رحمته الله علیه نیز در اولین جرقه‌های مخالفت با رضاخان در کتاب کشف اسرار و بعدها در دهه چهل و بعد از آن به اجرائشدن قانون اساسی مشروطه اشاره می‌کنند. (امام خمینی، بی تا و ۱۳۸۵)

با توجه به مطالب گفته شده، از نظر فکری و ایجاد نوعی فلسفه سیاسی جدید، نقش اندیشه آزادی خواهان مقدس را می‌توانیم به این صورت در تکامل نهضت بیداری اسلامی خلاصه کنیم:

۱. ضرورت ایجاد نظام سیاسی و تغییر در حاکمیت؛
 ۲. ضرورت ایجاد مجلس و انجمن‌های ملی و قانون اساسی با مفاهیم اسلامی؛ آزادی خواهان مقدس از مجلس و انجمن‌های ملی با نام «مقدس» یعنی دارا شورای مقدس ملی و یا انجمن مقدس ملی یاد کنند؛
 ۳. ضرورت تبیین آزادی و نسبت آن با عدالت و شورا و هویت؛
 ۴. نقد استعمار و به‌خصوص دوری از سیاست‌های انگلستان، سفارتخانه آن و انجمن‌های سری و به خصوص انجمن‌های فراماسونری؛
 ۵. نقد حریت افراطی و دوری از ایدئولوژی‌های جدید در تفسیر آزادی؛
 ۶. تبیین نوعی تمدن شکوهمند اسلامی در گذشته و تصویر آن برای آینده و نقد تمدن مادی غرب.^۲
- به خوبی معلوم است که این جریان و خط فکری در بیداری اسلامی خیلی زود توانست این نهضت را عمق بخشیده و علی‌رغم حاکمیت غرب‌گراها در مشروطه، راه بیداری اسلامی را از انحراف مشروطه حاکم جدا کرده و روند موجود را نوعی آسیب‌شناسی در بیداری اسلامی معرفی نماید.^۳
- حرکت بیداری اسلامی با تکاملی که در این دوره پیدا کرد، توانست در کشور عراق و به خصوص در حرکت تاریخی «ثورة العشرین» نیز تأثیر گذارد و نقد جدی مراجع شیعه نجف از حضور انگلستان در عراق و جدا کردن صف آزادی خواهان از انگلستان به عنوان مدافع آزادی و قانون‌مندی را شکل دهد.

اسناد و کتب و اعلامیه‌های تاریخی مراجع و علمای شیعه

برای استناد بخشیدن به مبحث آزادی خواهان مقدس می‌توانیم از مراحل مختلف گفته شده با اسناد و مدارک تاریخی به بحث غنا و ارزش بیشتری داده و متن تاریخ را دوباره مرور کنیم. در این قسمت برخی رسائل و

۱. برای بحث پیرامون متمم دوم قانون اساسی ر.ک: بی تا، ۱۳۶۲.
۲. برای اطلاع بیشتر از نظر مشروطه خواهان به خصوص در نجف، رجوع به جراید نجف در آن زمان مناسب است. نام چند جریده مشهورتر آن زمان عبارتند از: جریده درة النجف، النجف، الغری.
۳. برای اطلاع بیشتر از مشروطه ر.ک: حائری، ۱۳۷۴؛ رضوانی، ۱۳۵۲؛ رائین، ۱۳۵۵.

اعلامیه‌های علمای ایران و عراق را دنبال می‌کنیم.

از جمله رؤسا و پیشوایان جریان آزادی‌خواهان مقدس، زعمای و مراجع شیعه مشروطه‌خواه در نجف اشرف بوده‌اند؛ آیات عظام آیت‌الله ملامحمد کاظم خراسانی و آیت‌الله شیخ عبدالله مازندرانی از این دسته افراد سرشناس و متفکری هستند که در مورد جایگاه اندیشه آزادی و تأثیر آن در مشروطیت و سوءاستفاده از آن، این‌گونه مطالبی را نوشته‌اند. ایشان در تلگرافی به تاریخ اول ذی‌قعدة ۱۳۲۷ این‌گونه هشدار می‌دهند:

چون مذهب رسمی ایران همان دین قدیم اسلام و طریقه حقه اثنی‌عشریه صلوات‌الله علیهم اجمعین است پس حقیقت مشروطیت و آزادی ایران عبارت از عدم تجاوز دولت و ملت از قوانین منطبق بر احکام خاصه و عامه مستفاده از مذهب و مبنی بر اجراء احکام الهیه عراسمه و حفظ نوامیس شرعیه و ملیه منع از منکرات اسلامی و اشاعه عدالت و محو مبانی ظلم و سد ارتکابات خودسرانه و صیانت اسلام و حوزه مسلمین ... (نجفی و حقانی، ۱۳۸۸: ۲۹۱)

این سند تاریخی، به خوبی نشان می‌دهد، بیداری اسلامی نسبت به رسوخ غرب‌گرایی پیرامون کلمه آزادی انتقاد جدی داشته و این نقد به نحوی است که نظام حاکم مشروطه از ذات و اصالت‌های دینی خود جدا شده است.^۱

تا این قسمت به فزاینده‌ای از بحث آزادی در نهضت بیداری اسلامی و نظر مراجع و بزرگان شیعه اشاره شد. مناسب است بحث آزادی را در موج چهارم بیداری اسلامی یعنی انقلاب اسلامی دنبال کنیم.

اندیشه آزادی در ساحت تکاملی انقلاب اسلامی ایران

با انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی علیه‌السلام، جمهوری اسلامی شکل گرفت. بنابراین، در موج چهارم بیداری اسلامی، سلب و ایجاب در مورد مفهوم آزادی به اوج ظهور خود رسیدند. اول: نظام پهلوی که وابسته به بیگانگان بود سقوط کرد و دستگاه سلطنت که ریشه استبداد بود نابود گردید. دوم: حکومتی بر مبنای اندیشه‌های اسلامی شکل گرفت. نظامی که برآمده از سه شعار اصلی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بود.

در موج چهارم، آزادی را می‌توان در سه قسمت مورد مطالعه قرار داد: اول، آزادی در نظام جمهوری اسلامی؛ دوم، آزادی در تمدن جدید اسلامی؛ سوم، آزادی در نقد لیبرالیسم و تمدن غرب.

اما در این فراز مناسب است به این سؤال پاسخ دهیم که اگر بپذیریم برخی مفاهیم جدید مانند آزادی از فرهنگ دیگری آمده باشد، چه تأثیری در روند فکری نهضت و جامعه ما دارد. استاد علامه شهید مطهری درباره این موضوع و طرح شبهات جدید و تأثیر آن در رشد اندیشه اسلامی معتقدند:

هر کس می‌باید فکر و بیان و قلمش آزاد باشد و تنها در چنین صورتی است که انقلاب اسلامی

۱. برای بحث بیشتر در مورد مواضع علمای نجف ر.ک: نجفی، ۱۳۸۷.

ما، راه صحیح پیروزی را ادامه خواهد داد. اتفاقاً تجربه‌های گذشته نشان داده است که هر وقت جامعه از یک نوع آزادی فکری - ولو از روی سوء نیت - برخوردار بوده است این امر به ضرر اسلام تمام نشده، بلکه در نهایت به سود اسلام بوده است.

اگر در جامعه ما، محیط آزاد برخورد آراء و عقاید به وجود بیاید به طوری که صاحبان افکار مختلف بتوانند حرف‌هایشان را مطرح کنند و ما هم در مقابل، آراء و نظریات خودمان را مطرح کنیم، تنها در چنین زمینه سالمی خواهد بود که اسلام هر چه بیشتر رشد می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۱: ۶۳)^۱

پس مفهوم آزادی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تشکیل نظام دینی نقش اساسی داشته است. تاریخ به ما نشان می‌دهد هنگامی که آزادی از مسیر طبیعی خود خارج شده و جنبه ایدئولوژیک غربی بگیرد، ثمره چندانی نخواهد داشت و هنگامی که در بستر طبیعی خود در کنار شعارها و مسئله‌های اساسی چون عدالت و استقلال بیان شود به جمهوری اسلامی می‌رسد. در این مورد می‌توان گفت امام خمینی علیه السلام فطرت مردم را مخاطب خود دانست و هویت مردم ایران را در مسیر بیداری اسلامی قرار داده و ثابت کرد اگر در راه این ابراز هویت، مانعی نباشد و آزادی به شکل صحیحش نقش ایجابی را ایفا کند، می‌توان از مرحله نهضت‌های اسلامی به مرحله نظام اسلامی رفت. با این وصف، این نظام قالب قبلی را شکسته و بدون داشتن وابستگی سیاسی یا فکری به قدرت‌های دیگر در عین استقلال، قالب جدیدی را طرح کند.

در موج چهارم بیداری اسلامی، آزادی به نقش تکاملی خود در نظام‌سازی ادامه می‌دهد و در مرحله قانون‌گذاری و ایجاد ساختارها و نهادها ایفای نقش می‌کند. اساس انقلاب اسلامی رجوع به هویت ملی یا هویت اسلامی بوده است. هویتی که در ذات و بطن آن بیش از همه چیز مذهب و آموزه‌های دینی، مهم‌ترین عامل وحدت‌بخش و تعالی‌دهنده جامعه معرفی شده‌اند و طی قرون متمادی، حیات آن جوامع را تضمین کرده است. انقلاب اسلامی نه تنها این آگاهی‌بخشی تاریخی را به خوبی نشان داده بلکه چگونگی «تنظیم و تثبیت» با دنیای کنونی را هم آموخت.

در اینجا باید متذکر شد بیداری اسلامی حرکتی است که توقف ندارد و هدف آن طرح عالم دینی و ورود به تمدن اسلامی است. پس در مسیر آن نباید در مرحله نظام اسلامی متوقف شد بلکه باید به مرحله‌ای بالاتر اندیشید و افق تمدنی داشت.

آزادی در این مرحله نیز جایگاهی ویژه دارد و در ساخت سلبی خود، تمدن غرب را مورد پرسش قرار می‌دهد. تمدن غرب تمامیت‌خواه است و خود را نقطه پایان و کمال همه چیز می‌داند و به وضوح از جهانی شدن و پایان تاریخ سخن می‌گوید. با تشکیل حکومت بر مبنای دین، اساسی‌ترین جوهر فلسفه سیاسی غرب،

۱. برای بحث بیشتر راجع به آزادی از دیدگاه استاد مطهری ر.ک: مطهری، ۱۳۶۴ و ۱۳۷۸.

یعنی سکولاریسم زیر سؤال می‌رود.

هنگامی که آزادی نیز در نظام اسلامی به معنای الهی خود مطرح می‌شود و خود را در چارچوب مردم‌سالاری دینی نشان می‌دهد، غرب متوجه حقیقتی می‌شود که نسبتی با تمدن غربی ندارد، جزو گذشته غرب نیست و در آینده آن نیز چنین چیزی دیده نمی‌شود. اینجاست که پرسش‌های اساسی از غرب صورت می‌گیرد و آزادی در ساحت سلبی خود موجب می‌شود طرف مقابل بیداری اسلامی، یعنی عالم غربی از کلیت خود سؤالاتی را بپرسد و این بار غرب است که مورد هجوم قرار می‌گیرد.^۱

از طرف دیگر رهایی از بندگی غیر خدا برای مؤمنان، عزت به همراه می‌آورد. این روحیه عزت که با هویت تاریخی ما همراه می‌شود سبب می‌گردد جلوی مظاهر تمدنی غرب سربلند کرده و توان مقابله داشته باشیم.

آزادی در چارچوب نظام اسلامی، ما را از حاکمیت غیر خدا خارج کرده و متوجه ظرفیت‌های بومی خودمان می‌کند. تنها با این راهکار است که مسلمانان می‌توانند در مقابل توسعه مادی غرب روحیه خودباوری را حفظ کنند. و در غیر این صورت در برابر عظمت تمدن غربی احساس کوچکی کرده و با آن همراه می‌شوند و عملاً راه برای رسیدن به تمدن اسلامی ناتمام می‌ماند.

پس از آنکه به واسطه ایجاد نظام جمهوری اسلامی توانستیم غرب را مورد پرسش قرار دهیم و از طرف دیگر خودمان نیز از قیود پرستش مظاهر غرب رها شدیم، می‌توانیم از مشهورات غرب نیز آزاد شویم. اولین بحثی که بسیاری از غرب‌گرایان در آن گرفتار بودند، همان مقوله پایان تاریخ است.^۲ بدان معنا که دنیای مدرن بر یک خط همواره در حال توسعه است. سعادت و پیشرفت در گرو دنبال کردن این خط تاریخ مدرن است و بدبختی و عقب‌ماندگی از آن کسی است که از تاریخ مدرن جا مانده باشد. (نجفی، ۱۳۹۰: ۵۴ و ۵۵)

با توجه به نقش آزادی در انقلاب اسلامی می‌توان با توجه به موج چهارم بیداری اسلامی، انقلاب اسلامی را حلقه تکاملی در بیداری اسلامی محسوب کرد. این مسئله با توجه به مراتب آزادی بدین نحو خلاصه می‌شود:

۱. انقلاب اسلامی به سبب تثبیت و ایجاد یک نظام سیاسی مدنی دینی، موجب رشد و تکامل بیداری اسلامی می‌باشد. این نظام در قانون اساسی و شکل‌گیری نهادهای دینی از نظام و قانون اساسی مشروطه جلوتر است؛

۲. آزادی در مرحله نقد نظام پهلوی و درحقیقت با عبور از انحراف مشروطیت صورت گرفته، لذا این

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: داوری اردکانی، ۱۳۸۶.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: مددیپور، ۱۳۸۱.

اندیشه در ابتدای موج چهارم از مورد مشابه در موج دوم یعنی مشروطه، مؤثرتر بوده است؛
۳. با توجه به انحراف مشروطه و غلبه غرب‌گرایی و تجربه نیم قرن استبداد مدرن پهلوی، نقد اندیشه آزادی نظام سیاسی پهلوی در حقیقت متوجه مدرنیزاسیون افراطی و غرب‌گرایی که بحران هویت در ایران ایجاد کرده بود نیز می‌شود و از این منظر هم در اندیشه سیاسی شیعه در نهضت بیداری اسلامی نوعی تکامل و حرکت رو به جلو را شاهدیم.

۴. حذف سلطنت به طور کلی و ابراز نظریه جمهوری، افق و طرح جدیدی را در اندیشه سیاسی ایران به منصفه ظهور رساند. این مسئله منجر به طرح نظریات جدیدی مثل مردم سالاری دینی گردید که به هر حال در قالب‌های قبلی در مورد بحث آزادی و حاکمیت مردم، رشد چشم‌گیری را نشان می‌دهد؛

۵. شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی و مفاهیم منبعث از آن و نظریات قوام‌بخش اندیشه‌های سیاسی اسلامی، همگی نوعی نقد جدی تمدن غربی و تفکرات آن را نشان می‌دهد و این مسئله به طور آرام افق آینده را، افق «تمدن نوین اسلامی» جلوه‌گر می‌کند.^۱ در این خط سیر از نظام سیاسی دینی به طرف تمدن جدید اسلامی، همه مفاهیم و موضوعات مطروحه و قوام‌بخش نظام اسلامی، به خصوص بحث آزادی، دخیل و قابل پژوهش و تحقیق می‌باشند. نقد شرق‌شناسی مدرن،^۲ ایجاد مراکز غرب شناسی، ایجاد مراکز تمدن‌شناسی تطبیقی و نظریه تمدن جدید اسلامی از جمله مواردی است که تبیین این تکامل و گذار را نشان می‌دهند. مهم‌ترین موضوع در افق تعالی‌بخش مذهب شیعه یعنی مبحث «مهدویت» نیز آشکارا نظریه «پایان تاریخ» در غرب و به دنبال آن شالوده‌شکنی در لیبرالیسم را به عنوان یک اندیشه برتر و فلسفه سیاسی شاخص می‌تواند به دنبال داشته باشد.

نتیجه

آنچه که آزادی‌خواهان مقدس عصر مشروطیت انجام دادند ایجاد یک نظام سیاسی بود که رشد نهضت بیداری اسلامی را موجب گردید؛ اما با توجه به حاکمیت غرب‌گرایی در عصر پهلوی، این نظام سیاسی نتوانست به یک نظام مدنی اسلامی تمام عیار مبدل شود. هر چند آزادی‌خواهان مقدس نتوانستند حاکمیت مشروطیت را عوض کنند، ولی توانستند خط آزادی و جریان فکری آن را از لیبرالیسم و گره خوردن حکومت «مشروطه قدر مقدور» به سرنوشت ملل غربی جدا کنند و این خود تکامل بعدی بود.

امام خمینی علیه السلام در موج چهارم بیداری اسلامی این نظام سیاسی موجود و این تمنا و خط مستقل و متمایز آزادی از فلسفه سیاسی و تمدن غرب را هویت و عینیت و تکامل بخشیده و آن را در شکل مدنیت سیاسی

۱. برای بحث پیرامون تمدن نوین اسلامی ر.ک: بی‌نا، ۱۳۹۱ الف.

۲. برای بحث پیرامون نقد شرق‌شناسی نوین ر.ک: بی‌نا، ۱۳۸۴؛ براون، ۱۳۲۹.

اسلامی مدون و پایدار کرده و افق آن نیز تمدن جدید اسلامی گردید؛ تمدنی که ریشه‌های خود را در «پیوستگی» با تمدن اسلامی در تاریخ اسلام دیده و می‌بیند. این افق گشایی جدید، همان آزادی است. با توجه به سیر تاریخی و تکامل فلسفه سیاسی آزادی در نهضت بیداری اسلامی به نظر می‌رسد دو منظر اندیشه ترقی و اندیشه تعالی در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. تقابل اندیشه ترقی و اندیشه تعالی به نحوی تقابل سطح با عمق است و لذا آزادی در نگاه و افق اندیشه تعالی که همان تکامل بیداری اسلامی است در دو بُعد سلبی و ایجابی قابل تحقیق است؛ در بعد سلبی، خروج از دایره مفاهیم تمدن غرب و در بعد ایجابی، ورود هر چه بیشتر به کلیت تمدن جدید اسلامی را نشان می‌دهد که هر دو در موج چهارم بیداری اسلامی در قالب نظام‌سازی دینی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

اهم این موارد در بخش سلبی و ایجابی در فهرست پیش‌رو خلاصه می‌شود:

مراتب بُعد سلبی آزادی در تکامل بیداری اسلامی	مراتب بُعد ایجابی آزادی در تکامل بیداری اسلامی
۱. آزادی از مقبولات و مشهورات تمدن غرب	۱. آزادی در تحولات نهضت اسلامی و رشد آن.
۲. آزادی از مفهوم سعادت در فرهنگ مدرن و فلسفه سیاسی غرب.	۲. آزادی در شکل‌گیری نظام مدنی.
۳. آزادی از نظام‌های سوسیالیستی و لیبرالیسم و سایر ایسم‌های غرب	۳. آزادی در شکل‌گیری نظام مدنی دینی.
۴. آزادی از نظریه پایان تاریخ.	۴. آزادی در شکل‌گیری نظریه مردم‌سالاری دینی.
۵. آزادی از مطلق‌انگاری‌های کاذب مستشرقین.	۵. آزادی در شکل‌گیری تمدن اسلامی.
۶. آزادی از صورت‌مسئله‌های اندیشه ترقی.	۶. آزادی در نظریه پرش از غرب.
۷. آزادی از گسیختگی تاریخی و مدرنیته.	۷. آزادی در ابتکار و نوآوری و بومی‌سازی علم.
۸. آزادی از مفهوم انسان‌گرایی مادی در تمدن جدید.	۸. آزادی در نظریه ولایت فقیه.
۹. آزادی از مفاهیم علوم انسانی جدید.	۹. آزادی در پیوستگی تاریخی.
۱۰. آزادی از تمدن تک‌ساحتی و مادی‌گرایی غرب.	۱۰. آزادی در طرح صورت‌مسئله و جواب بومی به آن.
۱۱. آزادی از تقلید و اجبار توسعه‌یافتگی یک‌طرفه در غرب و از شاخص‌ها و معیارهای تحمیلی.	۱۱. آزادی در مفهوم سعادت.
۱۲. آزادی از عصر موجود و عصر موجود را عصر موعود ندیدن.	۱۲. آزادی در تعریف چندساحتی برای انسان متعالی
	۱۳. آزادی در علوم انسانی اسلامی.
	۱۴. آزادی در رسیدن به افق‌های جدید و روش‌های جدید و شاخص‌ها و معیارهای نو.

مراتب بُعدِ سلبی آزادی در تکامل بیداری اسلامی	مراتب بُعدِ ایجابی آزادی در تکامل بیداری اسلامی
۱۳. آزادی از تجددطلبی و مدرنیزاسیون. ۱۴. آزادی از اکنون‌زدگی. ۱۵. آزادی از سطحی‌اندیشی و تکرار فرهنگ و تمدن غرب.	۱۵. آزادی در رسیدن به عصر موعود و بازگشت کامل به تعالیم انبیا.

منابع و مأخذ

۱. ابوالحسنی، علی، ۱۳۵۹، *جنگ‌های دفاعی و جنگ صلیبی ایران و روس تزاری*، تهران، دارالحسین.
۲. اصفهانی، نورالله، ۱۳۲۷، *رساله مقیم و مسافر*، بی‌جا، چاپ سنگی.
۳. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۵، *صحیفه امام*، مجموعه آثار امام خمینی رضی‌الله‌تعالی‌عنه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. _____، بی‌تا، *کشف‌الاسرار*، بی‌جا.
۵. براون، ادوارد، ۱۳۲۹، *انقلاب ایران*، ترجمه احمد پزوه، تهران، کانون معرفت.
۶. بی‌نا، ۱۳۵۴، *فهرست بخشی از اسناد و عهدنامه‌ها و سفرنامه‌ها و رساله‌های دوره قاجاریه*، مرکز بررسی و تنظیم اسناد وزارت خارجه، زیر نظر خانبابایانی، تهران، وزارت امور خارجه.
۷. بی‌نا، ۱۳۶۲، *لویح آقا شیخ فضل‌الله نوری*، به کوشش هما رضوانی، تهران، نشر تاریخ.
۸. بی‌نا، ۱۳۸۴، *شرق‌شناسی نوین (مجموعه مقالات)*، جلد هفتم آموزه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۹. بی‌نا، ۱۳۹۱، *مجموعه مقالات همایش بیداری اسلامی (چکیده مقالات)*، تهران مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، نشر نهضت نرم‌افزاری.
۱۰. بی‌نا، ۱۳۹۱، *الف، تفکر و تمدن (تأملی در تمدن نوین اسلامی)*، مجموعه مقالات، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۱. جعفریان، رسول، ۱۳۶۵، *دخالت انگلیس در واقعه مشروطه*، قم، انتشارات مؤسسه تاریخ معاصر ایران.
۱۲. _____، ۱۳۷۰، *دین و سیاست در دوره صفوی*، قم، انصاریان.
۱۳. _____، ۱۳۹۰، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران* (از روی کارآمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی) سال‌های ۱۳۵۷ - ۱۳۲۰، تهران، نشر علم.
۱۴. حائری، عبدالحسین، ۱۳۷۴، *اسناد روحانیت و مجلس*، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۵. حائری، عبدالهادی، ۱۳۶۷، *نخستین رویاروی‌های اندیشگران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب*، تهران، امیرکبیر.

۱۶. داستانی بیرکی، علی، ۱۳۸۴، *آزادی در اندیشه امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۷. داوری، رضا، ۱۳۵۷، *وضع کنونی تفکر در ایران*، تهران، سروش.
۱۸. _____، ۱۳۸۶، *دریاره غرب*، تهران، هرمس.
۱۹. _____، ۱۳۸۷، *انقلاب اسلامی و وضع کنونی عالم*، تهران، مهرنیوشا.
۲۰. راثین، اسماعیل، ۱۳۵۵، *انجمن‌های سری در انقلاب مشروطیت ایران*، تهران، جاویدان.
۲۱. رضوانی، محمداسماعیل، ۱۳۵۲، *انقلاب مشروطیت ایران*، زیر نظر محمدعلی اسلامی ندوشن، تهران، ابن‌سینا.
۲۲. سیوری، راجر، ۱۳۶۳، *ایران عصر صفوی*، ترجمه احمد صبا، تهران، کتاب تهران.
۲۳. شاردن، ژان، ۱۳۷۲، *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس.
۲۴. صوفی نیارکی، تقی، ۱۳۹۰، *حادثه معجزه‌آسا: نگاهی تحلیلی به موج بیداری اسلامی در کشورهای منطقه با تکیه بر اندیشه‌های حضرت امام خمینی* و رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌طلبه)، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۲۵. عنایت، حمید، ۱۳۵۱، *جهانی از خودیگانه*، چاپ اول، تهران، فرمند.
۲۶. فردوست، حسین، ۱۳۸۲، *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی*، ویراسته عبدالله شهبازی، تهران، اطلاعات.
۲۷. کاشف‌الغطاء، محمدحسین، ۱۳۷۳، *محاورة مع السفیرین*، نجف، مطبعة حیدریه.
۲۸. مددپور، محمد، ۱۳۸۱، *انقلاب اسلامی و نظریه پایان تاریخ*، قم، بضعة الرسول.
۲۹. مدرسی، مرتضی، ۱۳۵۱، *تاریخ روابط ایران و عراق*، تهران، فروغی.
۳۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۴، *پیرامون جمهوری اسلامی*، قم، صدرا.
۳۱. _____، ۱۳۷۸، *آزادی معنوی*، قم، صدرا.
۳۲. _____، ۱۳۸۱، *پیرامون انقلاب اسلامی*، قم، صدرا، ج ۲۰.
۳۳. نائینی، میرزا حسین، ۱۳۷۶، *تنبیه‌الامه و تنزیه‌الملة*، تهران، شرکت سهامی انتشارات.
۳۴. نجفی، موسی و رسول جعفریان، ۱۳۷۳، *سده تحریم تنباکو*، تهران، امیر کبیر.
۳۵. نجفی، موسی و موسی حقانی، ۱۳۸۸، *تاریخ تحولات سیاسی ایران*، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۳۶. نجفی، موسی، ۱۳۷۶، *بنیاد فلسفه سیاسی در عصر مشروطیت*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۳۷. _____، ۱۳۸۶، *ساحت معنوی هویت ایرانیان*، قم، نشر معارف.
۳۸. _____، ۱۳۸۷، *انقلاب فرامردن و تمدن اسلامی*، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۳۹. _____، ۱۳۸۷، *حوزه نجف و فلسفه تجدد در ایران*، تهران، انتشارات مؤسسه تاریخ معاصر ایران.
۴۰. _____، ۱۳۹۰، *تمدن برتر*، تهران، آرما.
۴۱. _____، ۱۳۹۱، *نظریه بیداری اسلامی براساس اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای*، تهران، نشر نهضت نرم‌افزاری.
۴۲. یوسفی، بتول، ۱۳۹۰، *پژوهشی پیرامون مبانی نظری بیداری اسلامی در قرن اخیر: با تأکید بر اندیشه‌های حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)* رهبر معظم انقلاب اسلامی، تهران، نشر نهضت نرم‌افزاری.